

## تصحیح

من امروز و به تصادف این نوشته رفیق دیرینه و عزیزم فریبرز سنجری را دیدم و خواندم. از او بسیار سپاسگزارم که به حافظه من یاری رسانده تا بتوانم چند نکته را در نوشته ام با عنوان " من مرگ را دیدم" تصحیح و تدقیق کنم: ۱- من بسیار متأسف هستم که حضور رفیق علی رضا نابدل در آن اتاق به کلی از حافظه من پاک شده است ، تا به آن حد که فکر می کردم من اصلا او را ندیده ام. به رغم آن چه که فریبرز نوشته است و اشارات دیگری که از رفقای حاضر در آن جمع برای حضور و یا عدم حضور نابدل دنبال کرده ام، هنوز هم نمی توانم چهره و رفتار او را در آن اتاق عمومی اوین به خاطر بیاورم و جز شرمندگی پاسخی برای آن ندارم. ۲- آن چه را که درباره مقاومت ها و ضعف های رفقا نابدل و مناف فلکی نوشته ام، طبعاً به میزان حافظه ضعیف من بر می گردد و تصحیح می کنم که در آن اتاق عمومی و از رفقا شنیدم که رفیق مناف فلکی بنا به خواست خودش نمی خواسته که به جمع آورده شود و این امر درباره رفیق نابدل صدق نمی کند. ۳- متأسفم از این که حافظه ام یاری نداده است که اسامی دیگری از رفقای چریک فدائی را که در آن اتاق با هم بودیم را ذکر کنم؛ باید سپاسگزار رفیق سنجری بود که با حافظه خوبش اسامی آنها را در این نوشته خود ذکر کرده است. ۴- در نوشته من آمده است : " در این اتاق بود که مطلع شدیم که گروه دیگری هم تشکیل شده که خط مشی چریکی را در دستور کار خود دارند ولی با دیدگاه اسلامی"؛ تصحیح می کنم که من و نه "ما"! این بی دقتی ناشی از آن است که چون من درس لول بودم و بی خبر از همه حوادث، تنها با آمدن به اتاق عمومی بود که از این موضوع برای اولین بار مطلع شدم.